

دَلِيلُ الْأَنْجَلِيَّاتِ

TDV İSAM
Kütüphanesi Arşivi
No KB.2106

بِقُوَّتِ

١٠٩

D Turan

سَمِعَتْ بِكَمْبِيَّاتِكَ الْمُهَمَّاتِ

شِفَاقٌ فِي مَقَامِكَ الْمُتَرَبِّعِ
جِبْرِيلُ يَقِنَتْكَ

دَلِيلُ الْأَنْجَلِيَّاتِ مُتَشَبِّكٌ بِهَيَّاتِهِ طَبَرِيَّ فِي دَنْدَنِ قَيْقَوْ وَقَبْوَ الَّذِي شَدَّدَ
هَرَحْقَى سَعْيَهُ فَوْظِدَةٌ
فَيَافَ ٥ غَرَّةٌ

[شودا فرا] مقامند و [پنبر] ایقا عنده [مربع] دده افسن بک

[♩] [♩ = 40.]

آغوشینه } ایقان

ساز ف

نه ری ز

فر ن

نه ری ز

او ظ فوح

دا لا او

ش د رش

ساز ف

A handwritten musical score for a Persian song, featuring six staves of music with corresponding lyrics in Persian. The lyrics are as follows:

ش ز پ ب ر ظ ن م
ذ ي ش جا ه ن ن
س و ماق باه غ ن
دو غ ن رو ساز
لا د ي را ل
نه راي ل وا
لا د ي رو ي
نه راي ل ساز

The score consists of six staves of music, each with a treble clef and a key signature of one flat. The music is written in common time. The lyrics are placed below the staves, with some words written above specific notes. There are also some handwritten markings, such as '(am)' in parentheses and 'ساز' at the end of the fourth staff.

كفتة سنجق

اپرسونہ ال ار سہیک شوکت وال لارینہ
اکسوںہ بادکہ سند دل دارینہ
ذائی محضر گڑ او لد دامم نظر پرش دله
با خاسونہ غیہ عدد روی دل دارلینہ
شوکت وال لارینہ

اخطار مخصوص

داراللهان : مؤسسه ملی ماسنیت ماسنیتیه یادداختر قاره آن را نسبت نمایند که با این مکانیزم مخفی برینه همانکه بر اثر این نظریه بصر شکنیه رفع و رفع می باشد این یعنی داراللهان، و منکل مدد حینه در بینه علیه طرف زدن کرد و اینها همچنانه بر اثر این نظریه از اینجا طرف بینه مخفی برینه باشند اعطا نهار فرم کوچیوند: نزد کوچیونی سعادتیک عناد اصلیه مکنن از این طبق ابعاد طبیعی دارد که بوندان بر اینه قدر بینه بینیه بینیه غیر بینه مخفی مغلوب مانند (دیجه ز) بینه بینیه ایشاند یعنی اینها بینه مخفی میگردند. بر این پایه اینکه تقدیره توانده همین مکانیزم بینیه ایشان را اینکه اینها کوچنده بینه میگردند متفق است این اشاره بینه مخفی میگردد. خوبیه دیده مذکور که تغییر نهاده مؤسسه ماسنیت ماسنیتیه این را بر این نظریه اینجا بینه (دیجه ز) و (پرسول) اشاره نموده و مدعی دارد. فوعلت این اعماق و سه این منت قدره است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نورولو ادیہ:	اولنہ بولنے نے نظریہ	کسیدہ کو سنبھالے (فضلہ)	بحد نسبتہ بخالشیدہ۔
۱	۵۲۴۸۸	۵۳۶۴۴	
۲	۷۶۲	۷۰۶	
۳	۲۰۶		
۴	۲۰۶۸	۲۱۸۷	
۵	۲۱۸۷		
۶	۵۹.۶۱	۶۰.۶۱	
۷	۶۰.۶۱		

^١ فوز ولد (باشول) ، والده بيرلسكي موظف في سالفالازر (غسله) بعد فبرقة ميتشيل .

[پایان] کی تابت پرده مل غب آورت سریعیست بودن رهگرد نظر در یا همان بسته خدیگی دفت بالادرد که (۱) مردمه [رمیه] و [به مردم] اشایتگری نظر اختباره آغاز شد و [چند] تغییر ایده نظر در حال طبیعت ایسید که این ایده همچنان - مبنای ایده نوع [رمیه] بدواج نفع [به مردم] اشایتگری که بمندره علی اعماهه (۲) و (۳) اند که تقدیر باقیه جمهور در مرضع بخت او را آفرانند آزاده [رمیه] ایده [به مردم] لر گردید که بنده میخواهد بیفت نظر در مردمه براشان غریب هدایت فرمی که برینه ایده کو-روشنیه باقیه میتوان [رمیه] ر [به مردم] و [با صلح] هفت - مخفف (۴) نظر در [به مردم] اک عکاه مطرد اولیع بونک نظر اختباره آغاز شده مقام امدوه و دره .

برده نزد موسیقی خصوص اولین گفت، غنیف، در کبیر، پنهان ای کجیمک اینها دارند بسته آنرا نشاند. صایب فرطه آنرا ده
لیست شویتی بر (جنونام) نشکنید اینها بعنایات موسیقی نزد هر دو شخص باشد با این ترتیب پیشیمایه مختلف این آیینه در سفرم میز خود را اینهاست این اولین روای لایه ای از اینها میگذرد
همکنن بولنام [فوی] و [اضعیف] من بر میکنم معرفت داشتم که اینها خصوص روز و آنها نیز با اینکه شویس ایس میگذرم دوام این کنایه ایکنون نهاده شویس دارالله ایه
لیست همچنان سفر آزادی ای طسمه دنباد ملیم بر کمی آنرا اولین فرخه خواهد داد. تقدیر برینه هر ایک بسته نزدیک اینها مقدار منجی دوسره داد (مورخته) و پیاسه [غفیفه
اول، غنیفه ناف، نیضیل] ضربه زدن هایکنیست ضربه اولیه گزند و نیزه قوتکش: شد: [۶۱] ضربه های شکل ایمه (سما) اینها [غمضه اول] بجزیمه

اولینی وقت است . غصه ناید راه است . تغییر راه اولینی تغییر راهی است . همیشه یاد چشم و آنچه اینها را میگذراند با اینکه همیشه همینها هستند .
بروک اینها را از رساند . درین صورت سه است . مسابقه بازیگر ایشان اصول سخنرانی و ازان کیمیست . همانندی نظر رسانی طرزی از این دو اینجا برگزینید .
او را کسی از زن و آدم و بیگانه رفیق خود نمایند (عمری درست) . نظره و دید عبارت نمایند از اینها اینها را آنها نسبت بگردید . درین صورت دوست (دیمه زن) در (پسر)
آنها را نسبت بگردید . درین صورت دشمن شکوی مفتخر کند . فراموشیدن اینها ایشان را بگزینی اسماهی احاظه اچلشند .